



«فره‌یختگان» بررسی کرد

جدال اقتصاددانان بر سر کنترل تورم



مصدق عبداللهی
دانشجوی دکتری مالی- بانکداری

در نیمه‌دوم مردادماه سال ۱۴۰۲ در شرایطی قرار داریم که آخرین دسترسی ما به جزئیات کل‌های پولی به اسفندماه سال قبل برمی‌گردد. بقیه‌اطلاعات‌رایدباموچین‌ازبین‌سخنرانی‌ها و کنفرانس‌ها پیدا کنیم. اگر به مرداد ۱۴۰۱ برگردیم با اولین ماهی روبه‌رو هستیم که روند نرخ رشد نقطه به نقطه پایه پولی پس از یک‌سال صعودی می‌شود و از ۲۶ درصد به ۲۲ درصد در اسفندماه می‌رسد. در همین فاصله نرخ رشد نقطه به نقطه نقدینگی از ۲۷ درصد به ۳۱ درصد رسیده است. در این فاصله انتقادهایی نسبت به عملکرد بانک مرکزی وارد می‌شود. ظاهراً بانک مرکزی یک توربو روی موتور خلق پول نصب کرده یا اینکه خزانه بانک مرکزی شبانه به روی بانک‌ها باز می‌شود و شبانه به آن سری می‌زنند.

آلارم‌های ابرتورم بی‌دربی توسط کارشناسان به‌صدا درمی‌آید و جملگی منتظر انفجار نقدینگی نشسته‌اند. رفته‌رفته اما نگاه‌ها تغییر می‌کند. مرکز آمار بعد از اعلام بالاترین نرخ تورم در ۵ دهه اخیر برای اسفند سال گذشته، چهار گزارش ماهانه کاهشی تورم را تا سطح زیر ۴۰ درصد (برای اولین بار در ۱۴ ماه گذشته) منتشر می‌کند. بانک مرکزی هم که ظاهراً انتشار ارقام مربوط به پایه پولی با سیاست‌هایش سازگار نیست، صرفاً نرخ رشد نقدینگی را برای پایان خردادماه ۲۹ درصد گزارش می‌کند. کارشناسان معتقدند سیاست انقباضی بانک مرکزی و افزایش نسبت سپرده قانونی برای عمده بانک‌ها منجر به افزایش فشار بر نقدینگی ایشان و نیاز به تودیع ذخایر بیشتر نزد بانک مرکزی شده است. بانک‌ها که قادر به پرداخت این مبالغ نیستند، وارد بازار رپیو و اعتبارگیری قاعده‌مند می‌شوند. حجم درخواست بانک‌ها در رپیو از حدود ۸۰ همت در مرداد ۱۴۰۱ به سقف ۱۵۰ همت در خرداد ۱۴۰۲ می‌رسد و اعتبارگیری قاعده‌مند از ۱۵ همت به حدود ۱۰۰ همت در دوره مشابه می‌رسد. این عدد در اولین هفته کاری فروردین‌ماه امسال حتی به ۲۳۰ همت نیز رسیده است. افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ظاهراً علت اصلی رشد پایه پولی بوده است. برخی از کارشناسان معتقدند وقتی هدف‌گذاری سیاست‌گذار روی کاهش نقدینگی (یکی از کل‌های پولی) است نمی‌توان به انبساط دیگر کل پولی توجه نکرد. از طرفی برخی دیگر از کارشناسان امر معتقدند، پایه پولی نمی‌تواند اثر تورمی داشته باشد.

جدال اقتصاددانان بر سر چیست؟

مدت‌هاست این اختلاف نظر در میان اقتصاددانان وجود دارد که در شرایط فعلی، اولویت کنترل تورم باید مهار نقدینگی باشد یا پایه پولی. دیدگاه متعارف بر این باور است که مهم‌ترین مساله کنترل رشد پایه پولی است؛ چرا که درنهایت این پایه پولی (ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی) است که در جریان فرآیند خلق پول بانکی توسط بانک‌ها تبدیل به نقدینگی می‌شود و خود را در قالب تورم نشان می‌دهد. بانک‌ها براساس تقاضای تسهیلاتی که دارند و ملاحظات سود و زیان کسب‌وکار خود، تصمیم به اعطای تسهیلات می‌گیرند. باهر ریال اعطای تسهیلات، همزمان سپرده‌ای معادل آن نیز ایجاد می‌شود و به این ترتیب پول بانکی خلق می‌شود (انبساط ترازنامه بانک).

هر عاملی که منجر به افزایش ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی

شود (رشد پایه پولی)، توان بانک‌ها برای اعطای تسهیلات و خلق نقدینگی را افزایش می‌دهد. این توان یا تمایل بانک‌ها برای خلق پول، خود را در ضریب فراینده که نسبت نقدینگی به پایه پولی را می‌سنجد، نمایش می‌دهد. از این رو چه بانک مرکزی داری‌های ارزی در دسترس یا خارج از دسترس خود را به ریال تبدیل کند، چه حساب تنخواه دولت را شارژ کند و چه به بانک‌ها در هر قالبی اعتبار اعطا کند، حساب ذخایر بانک‌ها شارژ می‌شود و آنها به اتکای دسترسی به این ذخایر، تسهیلات بیشتری پرداخت می‌کنند. در نتیجه نقدینگی بیشتری خلق می‌شود. زمانی که بانک‌ها بتوانند با مجبور باشند برای تسویه عملیات روزانه خود با سایر بانک‌ها از بانک مرکزی اضافه برداشت کنند (منفی شدن حساب بانک نزد بانک مرکزی) هم اتفاق در حال افتادن است. پایه پولی خلق شده است و به‌زودی تبدیل به نقدینگی خواهد شد. در نتیجه موافقان این دیدگاه معتقدند راه حل کنترل تورم، کنترل رشد تمام اجزای پایه پولی است؛ بانک مرکزی از تسعیر داری‌های ارزی خارج از دسترس خود امتناع کند، اجازه رشد بدهی دولت و شرکت‌های دولتی را ندهد و مهم‌تر از همه مانع از اضافه برداشت بانک‌ها شود. راه‌حل عملیاتی پیشنهادی نیز اغلب، استفاده از ابزار نرخ بهره در بازار بین بانکی است. بانک مرکزی با اتخاذ سیاست انقباضی و افزایش نرخ بهره در بازار بین بانکی و بالا بردن بهای تمام شده پول می‌تواند از تمایل بانک‌ها برای اعطای تسهیلات بکاهد. همزمان لازم است نظارت‌های سختگیرانه‌ای بر بانک‌ها اعمال شود و اقدامات اصلاحی، از سرت موتورهای خلق نقدینگی و اضافه برداشت آنها کاسته شود. در سمت مقابل برخی منتقدان بر این باورند که مهار رشد نقدینگی بر مهار رشد پایه پولی مقدم است و در واقع وقتی نقدینگی به دلیل انبساط سریع ترازنامه بانک‌ها که ناشی از ناترازی‌های ساختاری آنهاست رشد می‌کند، به‌زودی پایه پولی را نیز با خود همراه خواهد کرد؛ چرا که بانک‌ها در اثر سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی و عدم تزریق منابع از یک سو و تقاضای فراینده تسهیلات (ناشی از تسهیلات تکلیفی و نیاز نگاه‌ها به سرمایه در گردش در شرایط تورمی) و تغییر ترکیب پول و شبه پول (ناشی از انتظارات تورمی بالا در اقتصاد) از سوی دیگر، دچار کسری ذخایر خواهند شد و این کسری ذخایر خود را به‌صورت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نشان خواهد داد. برخی دیگر از اقتصاددانان حتی ماهیت پولی تورم را نیز به‌طور کامل نمی‌پذیرند و معتقدند تورم شدید ماه‌های اخیر بیش از آنکه نتیجه رشد کمیت‌های پولی باشد، متأثر از جهش ارزی بوده است. افزایش نرخ ارز منجر به بروز شوک عرضه در اقتصاد می‌شود و انتظارات تورمی را افزایش می‌دهد که نتیجه آن بروز تورم شدید در اقتصاد است. تورم، تقاضای تسهیلات بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد که بخودی خود، چنانچه توضیح داده شد وقتی با سیاست انقباضی بانک مرکزی مواجه می‌شود خود را در افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و رشد پایه پولی نشان می‌دهد. آنها با اتخاذ سیاست انقباضی در این شرایط چندان موافق نیستند و آن را به‌زیان بخش تولید و داری پیمادهای رکودی می‌دانند. استدلال این گروه

آن است که بانک مرکزی در این شرایط (کسری ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی) باید به بانک‌ها تسهیلات بدهد. بانک‌ها براساس تقاضای تسهیلاتی که دارند و ملاحظات سود و زیان کسب‌وکار خود، تصمیم به اعطای تسهیلات می‌گیرند. باهر ریال اعطای تسهیلات، همزمان سپرده‌ای معادل آن نیز ایجاد می‌شود و به این ترتیب پول بانکی خلق می‌شود (انبساط ترازنامه بانک).

هر عاملی که منجر به افزایش ذخایر بانک‌ها نزد بانک مرکزی

مرکزی و بدهکار شدن ششان) نباید نگران تزریق منابع و پاسخ به نیازها بانک‌ها و خلق پایه پولی باشد. راه‌حل پیشنهادی آنها این است که سیاست کنترل رشد ترازنامه بانک‌ها به جد پیگیری شود و برای اینکه این محدودیت در اعطای تسهیلات بانکی منجر به آثار رکودی نشود، راه‌حل‌هایی مانند هدایت اعتبار را پیشنهاد می‌کنند.

کدام روایت درست است؟

آنچه مشخص است هیچ کدام از این روایت‌ها «اشتباه» نیستند؛ چرا که بین این دو کمیت مقداری پول (پایه پولی و نقدینگی) و نرخ تورم رابطه‌ای خطی و یک‌طرفه وجود ندارد. اختلاف بر سر این است که سازوکار اثرگذاری متقابل این کمیت‌ها در هر دوره (که همزمان متأثر از سایر پارامترها از جمله نرخ ارز، انتظارات جامعه و سیاست‌گذاری پولی نهاد ناظر نیز هستند) چگونه است و کدام یک بهتر می‌تواند تورم را توضیح دهد. پاسخ به این سوال از این جهت مهم است که باید مبنای سیاست‌گذاری بانک مرکزی نیز قرار گیرد؛ هر چند از بررسی عملکرد و اظهارات مسئولان بانک مرکزی چنان برمی‌آید که در شرایط فعلی گویا روایت دوم بیشتر مورد استقبال بانک مرکزی قرار گرفته است. سیاستگذار پولی هدف خود را بر مهار رشد نقدینگی از طریق کنترل رشد ترازنامه و هزینه بانک‌های خاطی و البته اتخاذ سیاست انقباضی در بازار بین بانکی قرار داده است. دستاورد استمرار در اجرای این سیاست نیز آن است که رشد نقدینگی از کانال ۴۰ درصدی به حدود ۳۰ درصد کاهش یافته است. انتظار بانک مرکزی آن است که کاهش رشد نقدینگی با کمی تأخیر و در ماه‌های پیش‌رو خود را در افت نرخ تورم نشان دهد. در عین حال رشد پایه

پولی همچنان در ارقام بالایی باقی‌مانده است. امری که موجب نگرانی منتقدان (دسته اول) شده است. آنان هشدار می‌دهند این نرخ بالای رشد پایه پولی در ماه‌های آینده اثرات مخرب خود را بروز خواهد داد. نکته قابل توجه دیگر آن است که اثرگذاری این کمیت‌های پولی «لحظه‌ای» نیست و با تأخیر اتفاق می‌افتد، انتشار دینای بانک مرکزی هم همیشه چندین ماه تأخیر داشته است و در این بازه زمانی پارامترهای خارجی بسیاری ممکن است بر اقتصاد اثر بگذارند (از جمله اخبار سیاسی مثبت و منفی، جهش‌های ارزی، وضعیت بازارهای داریی جایگزین و...). این

عوامل همگی رصد، نتیجه‌گیری و قضاوت درباره میزان درستی این دیدگاه‌های متضاد را بیش از پیش دشوار می‌سازند.

تهدیدهای پیش روی کنترل رشد نقدینگی

فسارغ از اظهارنظر درخصوص صحت و سقم این دو دیدگاه اقتصادی، نقش مالی بانک‌ها و به‌خصوص بانک‌های ناسالم در این کشمکش غیرقابل انکار است. با شبکه‌ای از بانک‌ها روبه‌رو هستیم که به اظهار شخص رئیس کل بانک مرکزی در جمع اقتصاددانان در مردادماه سال جاری، عمده ناترازی آنها از جنس نقدی است. بدیهی است وقتی به منابع نقدی آنها فشار مضاعف هم وارد شود، استمرار استقراض از بانک مرکزی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. این نکته را نیز باید در نظر داشت که شبکه بانکی با پدیده بحران‌زای دیگری مواجه است. فشار تسهیلات تکلیفی و تبصره‌ای که به اذعان مدیران بانک مرکزی صف‌های چند صد همتی برای آن تشکیل شده است و مسئولان دولت و مجلس و حتی شخص رئیس‌جمهور نیز اصرار دارند حتما به این تقاضاها پاسخ مثبت داده شود. حتی اگر فرض کنیم نرخ رشد نقدینگی در سطح هدف‌گذاری بانک مرکزی حفظ شود، به لحاظ منطقی با در نظر گرفتن تورم سالانه ۴۷ درصدی، نمی‌توان انتظار داشت که تسهیلات پرداختی (و از جمله

تسهیلات تکلیفی)، کمتر از تورم

سالانه رشد کند. نرخ

رشد تسهیلات



اعداد عجیب و غریب در بودجه شهرداری تهران

دریافتی کارکنان به حدود ۲۱ میلیون تومان می‌رسد.

نقاط مثبت بودجه

ازجمله نقاط مثبت و قابل توجه در فرآیند بودجه‌ریزی در شهرداری تهران نقش شورای اسلامی شهر تهران در مدیریت هزینه‌های شهرداری در سال‌های اخیر بوده است. براساس بررسی‌های انجام‌شده در اکثر سال‌های گذشته، بودجه مصوب شورا نسبت به لایحه دریافتی از شهرداری کاهش یافته است؛ موضوعی که عکس آن در رابطه مجلس و دولت مشاهده می‌شود. یکی دیگر از نقاط مثبت بودجه شهرداری تهران شفافیت در ارائه برنامه‌ها و فعالیت‌های واحدهای اجرایی و تعریف شاخص‌هایی کمی برای سنجش این فعالیت‌هاست. همچنین شفافیت در ارائه جزئیات یادشده درخصوص کارکنان شهرداری تهران، ازجمله نقاط قوت سند بودجه شهرداری تهران است، با وجود این لازم است این شفافیت به ارائه هنگام گزارش‌های عملکرد مالی و تفریع بودجه شهرداری تسری یابد، همچنین ارائه شفاف وضعیت بدهی‌ها و مطالبات و ارائه شفاف و به‌موقع گزارش‌های مالی حسابرسی‌شده شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه ازجمله موارد قابل بهبود در گزارشگری مالی از سوی شهرداری تهران است. در پایان این نکته شایان توجه است که منابع اصلی این گزارش بودجه مصوب شهرداری تهران در سال‌های اخیر و به‌ویژه سال ۱۴۰۲ است. بدیهی است درک دقیق‌تر از عملکرد مالی شهرداری تهران نیازمند تمرکز بر گزارش‌های عملکرد مالی شهرداری، تفریع بودجه، صورت‌های مالی و حسابرسی آنهاست که مستلزم بررسی‌های تخصصی‌تر است.

مقایسه با بودجه سال ۱۴۰۱، بیش از ۸۰ درصد رشد داشته است. اعتبارات پیش‌بینی شده در حوزه‌های توسعه مدیریت و هوشمندسازی شهری، خدمات شهری و محیط‌زیست و امور اجتماعی و فرهنگی به ترتیب با ۱۵، ۱۵ و ۱۰ درصد از اعتبارات در رتبه‌های بدی قرار دارند.

حقوق دریافتی کارکنان شهرداری تهران

از مجموع بالغ بر ۳۴ هزار میلیارد تومان اعتبارات هزینه‌ای بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان حدود ۶۰ درصد به‌صورت صریح تحت‌عنوان حقوق و مزایا طبقه‌بندی شده است. از این‌سین میزان ۱۰ هزار میلیارد تومان به بودجه سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه انتقال یافته و ۱۰ هزار میلیارد تومان باقی‌مانده به کارکنان شهرداری تهران و مناطق و واحدهای ستادی پرداخت می‌شود. تعداد و مبالغ برآوردشده برای پرداخت حقوق به کارکنان شهرداری تهران به تفکیک واحدهای اجرایی و نوع قرارداد در بودجه مصوب شهرداری تهران آمده و در این گزارش بررسی شده است. بر این اساس بالغ بر ۱۸ هزار نفر در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران و بیش از پنج هزار نفر در واحدهای ستادی شهرداری تهران شاغل هستند. با این حساب، متوسط هزینه ماهیانه شهرداری تهران بابت پرداخت حقوق و مزایای مستمر و غیرمستمر هر یک از کارکنان خود در حدود ۳۷ میلیون تومان برآورد شده است. براساس محاسبات انجام‌شده پس از کسر کسور قانونی مالیات بیمه و سایر کسور (قانونی) متوسط حقوق و مزایای

منابع یاد شده عمدتاً صرف تملک داری‌های سرمایه‌ای (۴۷٪) و هزینه‌های جاری (۴۵٪) شده و مابقی (۸٪) به تملک داری‌های مالی و بازپرداخت بدهی‌ها اختصاص یافته است. عمده مخارج شهرداری تهران در حوزه حمل‌ونقل و ترافیک (۴۳٪)، توسعه مدیریت و هوشمندسازی شهری (۱۵٪) و خدمات شهری و محیط‌زیست (۱۵٪) قابل طبقه‌بندی است. همچنین طبقه‌بندی اعتبارات یادشده به تفکیک حوزه‌های مأموریتی و به تفکیک واحدهای اجرایی زیرمجموعه شهرداری تهران نیز ارائه شده است. مجموع منابع و مصارف سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه در حدود ۶۳ هزار میلیارد تومان برآورد شده که حدود ۴۵ هزار میلیارد تومان آن از محل بودجه عمومی شهرداری تأمین می‌شود. به بیان دیگر، بودجه مجموعه سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه بیش از ۷۰ درصد به منابع دریافتی از بودجه عمومی شهرداری وابسته بوده و بودجه خالص منابع و مصارف سازمان‌ها و شرکت‌ها در حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان (۲۰ درصد از کل بودجه شهرداری) برآورد شده است. بودجه مصوب شهرداری تهران در سال ۱۴۰۲ در مقایسه با بودجه مصوب سال ۱۴۰۱، حدود ۵۱ درصد رشد داشته است که در سمت منابع متأثر از افزایش قابل توجه درآمد‌ها (۶۷ درصد) بوده و در سمت مصارف متأثر از رشد اعتبارات تملک داری‌های سرمایه‌ای (۷۱ درصد) است. در حدود ۴۳ درصد از مصارف شهرداری تهران در سال ۱۴۰۲ به حوزه «حمل‌ونقل و ترافیک» اختصاص یافته است. اعتبارات این حوزه در

در اختیار داشته باشد. به‌طور مشخص در سال‌های اخیر طرح‌هایی با عناوینی نظیر مدیریت جامع خدمات شهری، مردمی‌سازی حکمرانی و... در دستور کار کمیسیون‌ها و صحن علنی مجلس شورای اسلامی قرار گرفته که در هدف تمرکززدایی در حوزه ارائه خدمات عمومی و واگذاری بخشی از خدمات عمومی به شهرداری‌ها ارائه شده است. طبیعی است مقدمه قانونگذاری در این حوزه و افزایش وظایف و اختیارات شهرداری‌ها بررسی پایدار مالی آنهاست که قسمتی از آن در بودجه شهرداری‌ها منعکس می‌شود. ثانیاً استقلال مالی شهرداری‌ها را نباید به عدم ارتباط مالی ایشان و دولت تغییر کرد. اگرچه تصمیمات مالی شهرداری‌ها که در قالب بودجه سالانه ایشان منعکس می‌شود مصوب شوراهای اسلامی شهر و تحت‌نظارت ایشان است اما ارتباط مالی بین دولت و شهرداری‌ها به صورت‌های مختلفی وجود دارد.

جزئیات بودجه ۷۴ هزار میلیارد تومانی

بررسی‌ها نشان می‌دهد در بودجه مصوب سال ۱۴۰۲ شهرداری تهران، منابع – مصارف عمومی در حدود ۷۶ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. عمده منابع از محل درآمد‌های ناشی از ساخت‌وساز در محدوده شهر (۵۰٪) و عوارض قانون مالیات بر ارزش افزوده (۲۰٪) تأمین می‌شود و استقراض (۶٪) یا فروش اموال (۸٪) سهم کمی در تأمین منابع این بودجه دارد. همچنین بخش بسیار ناچیزی (کمتر از ۱ درصد) از منابع عمومی شهرداری تهران از طریق کمک‌های اعطایی دولت و سازمان‌های دولتی تأمین می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اخیراً در گزارشی با عنوان «تصور منابع و مصارف شهرداری تهران (بودجه مصوب سال ۱۴۰۲)» به بررسی بودجه شهرداری تهران پرداخته است. در ادامه به مختصری از گزارش مذکور اشاره می‌شود.

چرا بودجه شهرداری تهران مهم است؟

شهرداری‌ها به موجب قوانین کشور دارای استقلال اجرایی و مالی از دولت مرکزی هستند و درخصوص موضوعات مالی مرتبط با بودجه نیز تحت‌نظارت شوراهای اسلامی شهر قرار دارند که خود مستقیماً با آرای شهروندان انتخاب می‌شوند، به این ترتیب در ابتدای امر باید به این سؤال پاسخ داد که بررسی بودجه شهرداری‌ها در سطح ملی چه ضرورتی دارد؟ ضرورت و اهمیت این موضوع به‌ویژه درخصوص کلانشهرها و بالاصح درمورد شهرداری پایتخت از جهات زیر ضروری و مهم است؛ اولاً یکی از اهداف اساسی از استقلال مالی و اجرایی شهرداری‌ها دولت‌های محلی چنانچه در ادبیات تمرکززدایی مطرح است افزایش کارایی و بهینه‌سازی ارائه بخشی از کالا و خدمات عمومی به شهروندان یک جامعه است. با وجود این، این استقلال به موجب قوانینی تأمین شده که در سطح ملی به تصویب رسیده است و چهارچوب وظایف و اختیارات شهرداری‌ها نیز به موجب همین قوانین تعیین شده‌اند. به‌تعبیر دیگر محدوده استقلال مالی و اجرایی شهرداری‌ها در سطح ملی و به‌واسطه قوانین ملی تعیین شده است. سیاست‌گذار برای بهبود یا نظارت بر این قوانین نیاز است از جهات مختلف ارزیابی مناسبی از وضعیت مالی شهرداری‌ها